

بررسی الزامات مورد نیاز و نظارت بر حسن

اجرای سیاست‌های کلی اصل (۴۴)

محمدرضا سعدی*، سعید توتونچی ملکی**

تاریخ دریافت ۸۷/۷/۱۴ | تاریخ پذیرش ۸۸/۹/۱۶

اجرای صحیح سیاست‌های کلی اصل (۴۴) قانون اساسی بدون شک می‌تواند تحول عظیمی در اقتصاد کشور ایجاد کند. واضح است که اجرای دقیق این سیاست‌ها، نیازمند الزامات بسیاری در زمینه‌های اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی، سیاسی و تقنینی است. همچنین نظارت بر حسن اجرای این سیاست‌ها یکی از الزامات موفقیت آن است که باید از سوی نهادهای نظارتی در کشور صورت گیرد. برخی از نظارت‌های لازم در متن قانون اصلاح مواد از قانون برنامه چهارم توسعه و اجرای سیاست‌های کلی اصل (۴۴) قانون اساسی آمده است. این مقاله ضمن برشمردن الزامات مورد نیاز در حوزه‌های مختلف فوق‌الذکر، به بررسی نحوه نظارت دستگاه‌های نظارتی در کشور بر حسن اجرای سیاست‌های کلی اصل (۴۴) پرداخته است. نتایج به‌دست آمده نشان می‌دهد مجمع تشخیص مصلحت نظام، مجلس شورای اسلامی، قوه قضائیه و نهادهای ذی‌ربط آنها مهم‌ترین نهادهای نظارتی در این زمینه هستند.

کلیدواژه‌ها: اصل (۴۴) قانون اساسی؛ نظارت؛ الزامات؛ نهادهای نظارتی؛ واگذاری

طبقه‌بندی JEL: G₁₈، G₂₈، G₃₈

* عضو هیئت عملی پژوهشکده امور اقتصادی؛

E-mail: saadi1001@yahoo.com

** پژوهشگر گروه بخش عمومی دفتر مطالعات اقتصادی مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی؛

E-mail: totonchi59@gmail.com

مقدمه

هدف عمده اصل (۴۴) قانون اساسی تفکیک و تبیین بخش‌های مختلف اقتصادی کشور در قالب بخش‌های دولتی، تعاونی و خصوصی است. براساس اصل (۴۴) قانون اساسی، نظام اقتصادی جمهوری اسلامی ایران بر پایه سه بخش دولتی، تعاونی و خصوصی شکل می‌گیرد. حدود و قلمرو مالکیت در هر یک از این سه بخش، مشروط بر مغایرت نداشتن با قوانین اسلام و دیگر اصول قانون اساسی از طریق تصویب قانون تعیین می‌شود. شروط یاد شده و اوضاع اقتصادی کشور بعد از تقریباً سه دهه تجربه وضعیت اقتصادی، اجتماعی و سیاسی کشور، تقسیم‌بندی فوق را ناکارآمد نشان داده و ضرورت بازنگری در ذیل این اصل قانون اساسی به اولویتی جدی تبدیل شده است. با ابلاغ سیاست‌های کلی اصل (۴۴) در دو مرحله و پنج بند با محورهای توسعه بخش غیردولتی، جلوگیری از بزرگ شدن بخش دولتی، تأکید بر اعمال حاکمیت به جای تصدیگری، توسعه بخش‌های غیردولتی از طریق واگذاری فعالیت‌ها و بنگاه‌ها و پرهیز از انحصار، اقتصاد کشور وارد مرحله جدیدی شده است. الزامات اجرایی شدن سیاست‌های مذکور در بندی مستقل با عنوان «الزامات واگذاری» و نیز در بند «د» این سیاست‌ها، که یک جزء آن کاملاً به الزامات مورد نیاز اجرای این سیاست‌ها پرداخته، ابلاغ شده است.

سیاست‌های ابلاغی مقام معظم رهبری هفت هدف عمده را دنبال می‌کند که به‌طور خلاصه می‌توان به افزایش رشد اقتصادی، گسترش مالکیت، ارتقای کارایی، افزایش رقابت‌پذیری، کاهش بار مالی فعالیت‌های اقتصادی، افزایش سطح اشتغال و تشویق مردم به پس‌انداز و سرمایه‌گذاری اشاره کرد. یکی دیگر از مسائل بسیار مهم در زمینه ابلاغ سیاست‌های کلی اصل (۴۴) نحوه نظارت بر اجرای آن است. در این زمینه نیز مقام معظم رهبری براساس بند آخر اصل (۱۱۰) قانون اساسی «نظارت بر حسن اجرای سیاست‌های کلی نظام» موضوع بند «۲» از اصل (۱۱۰) قانون اساسی را به مجمع تشخیص مصلحت نظام تفویض کرده است.

در این مقاله ضمن اشاره به برخی الزامات مورد نیاز برای اجرای سیاست‌های کلی اصل (۴۴) قانون اساسی که در واقع بدون در نظر گرفتن دقیق آنها اجرای مناسب سیاست‌ها نیز با اشکال مواجه می‌شود، نقش دستگاه‌های نظارتی در برطرف کردن موانع و چگونگی نظارت آنها بر حسن اجرای این سیاست‌ها بررسی شده است. این کار از دو بُعد جداگانه، یکی از بُعد نهادهای نظارتی آشکار در قانون اصلاح برخی از مواد قانون برنامه چهارم توسعه و اجرایی شدن سیاست‌های کلی اصل (۴۴) قانون اساسی و دیگری از بُعد وظایف قانونی برخی دستگاه‌های نظارتی در کشور، صورت گرفته است. به این ترتیب در بخش اول مروری بر بندهای مختلف سیاست‌های کلی اصل (۴۴) قانون اساسی خواهد شد. در بخش دوم الزامات مورد نیاز این سیاست‌ها بحث می‌شود. در بخش سوم مقاله به ارزیابی نظارت بر اجرای این سیاست‌ها پرداخته می‌شود و در نهایت جمع‌بندی و نتیجه‌گیری صورت می‌گیرد.

۱ سیاست‌های کلی اصل (۴۴) قانون اساسی در یک نگاه

بر اساس اصل (۴۴) قانون اساسی، نظام اقتصادی جمهوری اسلامی ایران بر پایه سه بخش: دولتی، تعاونی و خصوصی با برنامه‌ریزی منظم و صحیح استوار شده است. مالکیت در این سه بخش تا جایی که با دیگر اصول قانون اساسی مطابقت داشته باشد، از محدوده قوانین اسلام خارج نشود، مایه زیان جامعه نشود بلکه موجب رشد و توسعه اقتصادی کشور باشد، مورد حمایت قانون جمهوری اسلامی است.

علاوه بر این به صراحت اشاره شده است که حدود و قلمرو در این بخش‌ها بر اساس قانون تعیین خواهد شد. با گذشت حدود سه دهه از تجربه انقلاب اسلامی در عرصه‌های مختلف اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی، رانتی بودن اقتصاد کشور به دلایل متعدد، از جمله وابستگی شدید آن به درآمدهای نفتی، نبود اوضاع قانونی و اقتصادی مناسب در کشور برای حضور سرمایه‌گذاران داخلی و خارجی، بروز اختلاف نظرهای قانونی، اداری و سیاسی بین قوای سه‌گانه و دستگاه‌های دولتی در اداره امور کشور، بروز مشکلات و

تنگناهای اقتصادی ناشی از مالکیت و تصدیگری‌های وسیع دولت اعم از انحصارها، کسری‌های مداوم بودجه دولتی، کاهش انگیزه حضور و سرمایه‌گذاری بخش خصوصی در اقتصاد و در کنار آنها ابلاغ سند چشم‌انداز در سال ۱۳۸۲ مقام معظم رهبری به قوای سه‌گانه و ضرورت ایجاد زیرساخت‌ها و تغییر ساختارها به منظور تحقق اهداف این سند و ارائه مدل‌های جدید علمی برای اعمال حاکمیت دولت با گفتمان‌های علمی جدید، همگی زمینه ایجاد تغییر و تحولات اساسی در این اصل و در حوزه نظام اقتصادی را ضروری می‌نمود.

براساس این سیاست‌های کلی اصل (۴۴) قانون اساسی در دو مرحله و پنج بند در سال‌های ۱۳۸۴ و ۱۳۸۵ از سوی مقام معظم رهبری ابلاغ شد. در بند «الف» این سیاست‌ها دولت مکلف شده است تا ضمن شروع نکردن به فعالیت جدید در موارد خارج از صدر اصل (۴۴)، نسبت به واگذاری کلیه فعالیت‌ها، شامل تداوم فعالیت‌های قبلی و بهره‌برداری از آن، که مشمول عناوین صدر این اصل نباشد به بخش‌های تعاونی، خصوصی و عمومی غیردولتی حداکثر تا پایان برنامه پنج‌ساله چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، سالیانه حدود ۲۰ درصد، اقدام کند.

در بند «ب» دولت مکلف شده است تدابیری اتخاذ کند که سهم بخش تعاونی در اقتصاد کشور به ۲۵ درصد تا پایان برنامه پنجم توسعه (سال ۱۳۹۳) برسد. اقدام دولت برای ایجاد تعاونی‌ها با هدف اشتغال‌زایی، تأسیس شرکت‌های تعاونی سهامی عام با محدودیت مالکیت هریک از سهام‌داران به سقف‌های معین، تأسیس تعاونی‌های فراگیر ملی برای تحت پوشش قرار دادن سه دهک اول جامعه به منظور فقرزدایی، تشکیل بانک توسعه تعاون با سرمایه دولت و ... از جمله موارد مورد تأکید در این بند می‌باشد. در بند «ج» سیاست‌ها تحت عنوان «سیاست‌های کلی توسعه بخش غیردولتی از طریق واگذاری فعالیت‌ها و بنگاه‌های دولتی» بر تغییر نقش دولت از مالکیت و مدیریت مستقیم به سیاستگذاری، هدایت، نظارت و توانمندسازی بخش‌های خصوصی و تعاونی، توسعه سرمایه انسانی متخصص، توسعه

استانداردهای ملی، جهت‌گیری خصوصی‌سازی با هدف افزایش کارایی و رقابت‌پذیری و گسترش مالکیت عمومی تأکید شده است. براساس این بند، واگذاری ۸۰ درصد از سهام بنگاه‌های دولتی مشمول صدر اصل (۴۴) قانون اساسی^۱ به بخش‌های خصوصی، شرکت‌های تعاونی سهامی عام و بنگاه‌های عمومی غیردولتی مجاز شمرده شده است. در بخش الزامات واگذاری تأکید شده است تا قیمت‌گذاری سهام این بنگاه‌ها از طریق بازار بورس انجام شود و فراخوان عمومی با اطلاع‌رسانی مناسب برای ترغیب و تشویق عموم به مشارکت و جلوگیری از ایجاد انحصار و رانت اطلاعاتی صورت گیرد. همچنین واگذاری سهام شرکت‌ها و بنگاه‌های مشمول واگذاری در قالب شرکت‌های مادر تخصصی و شرکت‌های زیرمجموعه به صورت کاملاً کارشناسی شده صورت گیرد. در این بند همچنین بر اصلاح نظام مدیریتی کشور و استفاده از مدیران باتجربه، متخصص و کارآمد تأکید شده است.

در بند «د» این سیاست‌ها نیز به علت اهمیت موضوع واگذاری‌ها، به الزامات واگذاری و نحوه مصارف درآمدهای حاصل از واگذاری پرداخته شده است. در بند «ه» سیاست‌ها با عنوان «سیاست‌های کلی اعمال حاکمیت و پرهیز از انحصار» بر تداوم اعمال حاکمیت دولت از طریق سیاست‌گذاری و اجرای قوانین و مقررات و نظارت به‌ویژه در مورد اعمال موازین شرعی و قانونی در بانک‌های غیردولتی تأکید شده است و دولت مکلف است علاوه بر جلوگیری از نفوذ و سیطره بیگانگان بر اقتصاد ملی، با تصویب و تنظیم قوانین و مقررات جدید از ایجاد انحصارات جلوگیری کند (سیاست‌های کلی اصل (۴۴) قانون اساسی ابلاغی از سوی مقام معظم رهبری).

۱. به استثنای شرکت ملی نفت ایران، شرکت‌های استخراج و تولید نفت خام و گاز، بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، بانک ملی ایران، بانک سپه، بانک صنعت و معدن، بانک کشاورزی، بانک مسکن، بانک توسعه صادرات ایران، بیمه مرکزی ایران، بیمه ایران، سازمان هواپیمایی کشوری، سازمان بنادر و کشتیرانی، شبکه‌های اصلی انتقال برق، شبکه‌های مادر مخابراتی، امور مربوط به واگذاری فرکانس و شبکه‌های اصلی تجزیه و مبادلات و مدیریت توزیع خدمات پایه پستی، صنایع تولیدات دفاعی و امنیتی ضروری به تشخیص فرمانده کل قوا.

علاوه بر این بندها، مقام معظم رهبری در نامه‌ای خطاب به رئیس جمهوری، با اختصاص درصدی از سهام صدر اصل (۴۴) قانون اساسی در قالب سهام عدالت موافقت کردند. در این نامه فروش اقساطی تا ۵۰ درصد از سهام قابل واگذاری در بند «ج» سیاست‌های کلی مشروط بر اینکه قیمت سهام در بورس تعیین شود، مجاز شمرده شده است. همچنین در مورد دو دهک پایین درآمدی تا ۵۰ درصد تخفیف در قیمت سهام واگذار شده مجاز می‌باشد و شرکت‌های سرمایه‌گذاری استانی ضمن رعایت قانون تجارت، باید در بورس پذیرفته شوند. براساس این باید روستائیان در اولویت واگذاری سهام باشند و اجرای طرح نباید تصدی‌های دولت را افزایش دهد. همچنین خرید و فروش سهام شرکت‌های سرمایه‌گذاری استانی در بورس به میزانی مجاز است که اقساط آن پرداخت یا مورد تخفیف واقع شده باشد، در این نامه همچنین به رئیس محترم جمهوری تذکر داده شده است تا بدون فوت وقت با تشکیل ستادی قوی، زمینه تحرک و رونق اقتصادی را با به‌کارگیری همه نیروها و سرمایه‌های ملی فراهم کند.

از آنجا که اجرای سیاست‌های مذکور به معنای تحول گسترده در ساختار اقتصادی کشور است، بنابراین نظارت بر حسن ایجاد این تحولات گسترده و کنترل روند تحولات مطابق با اهداف ترسیم شده هم در بطن این سیاست‌ها آمده است و هم به صورت یک جریان مداوم و منسجم ضروری است. بنابراین ضرورت نظارت بر اجرای صحیح، به‌هنگام، دور از هرگونه تبعیض و رانت، تحقق فضای شفاف و رقابتی با برنامه‌ریزی و تمرکز بر اجرای این سیاست‌ها یکی از اولویت‌های مهم برای اجرای موفق این سیاست‌هاست.

در این زمینه نیز مقام معظم رهبری براساس بند آخر اصل (۱۱۰) قانون اساسی «نظارت بر حسن اجرای سیاست‌های کلی نظام» موضوع بند «۲» این اصل را، به مجمع تشخیص مصلحت نظام تفویض کرده‌اند. مجمع تشخیص مصلحت نظام، «مقررات نظارت بر حسن اجرای سیاست‌های کلی نظام» را در جلسه مورخ ۱۳۸۴/۳/۲۱ نهایی کرده است و مقام

معظم رهبری پس از اصلاحات، در ۱۰ ماده و ۶ تبصره در تاریخ ۱۳۸۴/۶/۲۰ به مجمع تشخیص مصلحت نظام ابلاغ کرده‌اند.

۲ الزامات مورد نیاز اجرای سیاست‌های کلی اصل (۴۴)

هر نوع برنامه‌ریزی نیازمند الزاماتی است که بدون رعایت آن ممکن است تحقق اهداف مورد نظر امکان‌پذیر نباشد. از این رو یکی از موارد بسیار مهم در تحقق اهداف سیاست‌های کلی اصل (۴۴) قانون اساسی و نیز اجرای دقیق این سیاست‌ها، توجه به پیش‌نیازها و یا الزامات است. مقام معظم رهبری در یک جزء مستقل با عنوان «الزامات واگذاری» و نیز در بند «د» سیاست‌های کلی موضوع الزامات واگذاری‌ها را مطرح و بر آنها تأکید کرده‌اند. قیمت‌گذاری سهام بنگاه‌ها از طریق بازار بورس، فراخوان عمومی با اطلاع‌رسانی مناسب برای ترغیب و تشویق عموم به مشارکت و جلوگیری از ایجاد انحصار و رانت اطلاعاتی، واگذاری کارشناسی شده سهام شرکت‌ها و بنگاه‌های مشمول در قالب شرکت‌های مادر تخصصی و شرکت‌های زیرمجموعه، اصلاح نظام مدیریتی کشور و استفاده از مدیران باتجربه، متخصص و کارآمد از جمله الزامات مورد تأکید ایشان هستند.

همچنین ایشان بر توانمندسازی بخش‌های خصوصی و تعاونی، نظارت و پشتیبانی مراجع ذی‌ربط بعد از واگذاری، استفاده از روش‌های سالم و معتبر واگذاری، تقویت تشکیلات واگذاری، شفافیت اطلاعات و اطلاع‌رسانی مناسب، رعایت عدالت، عرضه تدریجی سهام به منظور دستیابی به قیمت مناسب، ذی‌نفع نبودن دست‌اندرکاران واگذاری و تصمیم‌گیرندگان دولتی در واگذاری، رعایت سیاست‌های کلی بخش تعاونی در واگذاری‌ها، اصلاح مدیریت و افزایش بهره‌وری، اصلاح ساختار بنگاه‌های مشمول واگذاری، اصلاح در نظام قیمت‌گذاری، ارائه تعریف جدید از دولت مبنی بر سیاست‌گذاری، هدایت و نظارت بر اقتصاد، تقویت حوزه‌های نوین با فناوری پیشرفته، جلوگیری از انحصار و رانت‌جویی و ... به‌عنوان دیگر الزامات مورد نیاز تأکید و در متن سیاست‌های کلی به آنها اشاره

کرده‌اند. با توجه به تأکید صریح بر رعایت الزامات از سوی ایشان و نیز همه صاحب‌نظران اقتصادی در کشور، در ادامه این مسئله به‌طور مفصل بررسی شده است. برای این کار، الزامات اجرایی کردن سیاست‌های کلی اصل (۴۴) قانون اساسی در مقوله‌های الزامات اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی، سیاسی، ساختاری، قانونی و غیره بررسی شده است.

۲-۱ الزامات اقتصادی

از دغدغه‌های مسئولان و بسیاری از صاحب‌نظران برای اجرای سیاست‌های کلی اصل (۴۴) قانون اساسی، نبود بخش خصوصی قدرتمند و توانمند برای مدیریت و اداره فعالیت‌های گسترده اقتصادی در کشور است. به همین دلیل برخی تصور می‌کنند سیاست‌های کلی اصل (۴۴) ممکن است در اجرا با ناکامی مواجه شود. البته ضعف و حضور نداشتن بخش خصوصی در اقتصاد کشور در سال‌های بعد از انقلاب که به دلایل متعدد از جمله بروز جنگ تحمیلی، وابستگی کشور به درآمدهای نفتی، فضای نامناسب کسب و کار در کشور، نارسایی در قوانین و مقررات کشور و نبود دید مناسب و منطقی در قبال سرمایه و سرمایه‌داران همگی از عوامل ایجاد تسلط اقتصاد دولتی بر اقتصاد کشور بوده است. نکته‌ای که باید به آن توجه شود این است که بالاخره دولت تصمیم گرفته است تصدیگری‌ها را کاهش دهد و خود را از صحنه اقتصاد خارج کند و این امر بدون حضور بخش خصوصی توانمند امکان‌پذیر نیست.

با توجه به اینکه مسئله ثبات و امنیت به‌عنوان زمینه اصلی هرگونه فعالیت مثبت اقتصادی و اجتماعی، مورد تأکید و عنایت مکاتب اقتصادی است، این مسئله به‌دلیل تأثیر متقابل ساخت‌های سه‌گانه سیاسی، اقتصادی و اجتماعی بر همدیگر اهمیت ویژه‌ای یافته است. بی‌ثباتی در هریک از ساخت‌های یاد شده می‌تواند به‌شدت بر ساخت‌های دیگر تأثیر گذارد و آنها را از حرکت‌های سالم و مثبت باز دارد.

امروزه نیاز بخش‌های خصوصی داخلی و خارجی برای فعالیت در محیط‌های

اقتصادی به منظور اعتلا و کسب حداکثر منافع اقتصادی بدون وجود محیط شفاف و مناسب برای کسب و کار امکان‌پذیر نیست (هادی‌زنوز، ۱۳۸۲: ۹۱). تجربه کشورهای متعدد در این زمینه حاکی از آن است که با وجود محیط‌های کسب و کار مناسب شرایط رشد اقتصادی برای کشورها با موفقیت در سیاست جذب سرمایه داخلی و خارجی فراهم می‌شود. متأسفانه در کشور ما افزایش میزان سرمایه‌گذاری در فعالیت‌های سوداگرانه غیرمولد و زودبازده و نیز خروج سرمایه علائمی است که نشان‌دهنده نبود زمینه مناسب و امن برای سرمایه‌گذاری در بخش مولد اقتصاد است (جلال‌آبادی، ۱۳۸۵: ۶۲).

بر اساس نظریات مختلف اقتصادی، متشکل بودن بازار سرمایه به سبب تأثیر آن در تجهیز منابع مالی فعالیت‌های اقتصادی و انباشت سرمایه، هم‌ترازی بخش‌های پولی و واقعی اقتصاد و نیز فراهم کردن زمینه‌های دستیابی به رشد درون‌زای اقتصادی همراه با عدالت اجتماعی اهمیت بسیار زیادی دارد. تجربه کشورهای توسعه‌یافته و در حال توسعه نشان می‌دهد بازارهای مالی (اعم از بازار سرمایه و بازار پول تأمین اطمینان) متشکل، کارآمد و پویا نقشی اساسی در تجهیز پس‌اندازها، افزایش نرخ پس‌انداز سرمایه‌گذاری، مشارکت بخش خصوصی، حذف رانت‌های ناشی از دیوان‌سالاری زائد و فساد اداری، افزایش شفافیت و بسط محیط رقابتی، جلب سرمایه‌گذاری خارجی و سرانجام رشد اقتصادی داشته است (باقرزاده، ۱۳۸۱: ۱۲۴-۱۲۳).

مهم‌ترین موانع پیش‌روی توسعه بازار سرمایه در ایران عبارت‌اند از: شفاف و روزآمد نبودن اطلاعات به دلیل طفره رفتن مدیران شرکت‌ها از ارائه اطلاعات صحیح به منظور حفظ موقعیت شرکت یا از روی احتیاط، پیچیدگی در قوانین مالیاتی کشور و ارائه اطلاعات نادرست به منظور کاهش بار مالیاتی، مالکیت گسترده دولت در شرکت‌ها و دست‌کاری سیاسی قوانین از جانب شرکت‌های قدرتمند برای حفظ قدرت در مقابل رقبای جدید، نبود نظام قضایی قوی در کشور و ... نبودن یا توسعه نیافتن سازمان‌های خودانتظام (از قبیل انجمن‌های حرفه‌ای در قالب مؤسساتی همچون جامعه حسابداران رسمی، انجمن‌های وکلا، شرکت‌های سرمایه‌گذاری و صندوق‌های بازنشستگی، کانون‌های معامله‌گران اوراق

بهادار و بورس‌ها برای تشکیل بازارهای خارج از بورس و ...، محدودیت‌های سرمایه‌گذاری خارجی برای ورود به بازار سرمایه (از جمله موانع قانونی موجود در قانون اساسی و قانون تشویق و حمایت سرمایه‌گذاری خارجی و آیین‌نامه بند «ج» ماده (۱۵) قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران (مصوب ۱۳۸۴/۳/۱۱ هیئت وزیران و ...)، نبود فرهنگ غنی سهام‌داری در بازار سرمایه، سهم بالای اشخاص حقوقی و نهادهای دولتی و شبه‌دولتی از بازار سرمایه، نارسایی‌ها در برخی قوانین از جمله قانون تجارت، دست‌کاری در بازار بورس و قیمت‌ها و نبود قوانین ضد دست‌کاری (دست‌کاری با انتشار اطلاعات گمراه‌کننده و یا شایعات ساختگی قیمت اوراق بهادار، یا دست‌کاری بر مبنای معامله و ...)، متنوع نبودن ابزارهای مالی، چیرگی شبکه بانکی بر بازار سرمایه، تعداد اندک شرکت‌های پذیرفته شده در بورس، انجام معاملات به شیوه سنتی، مدیریت دولتی و نوپا بودن سازمان بورس در مقایسه با نظام بانکی، حضور نداشتن مدیران حرفه‌ای در این مجموعه و ... دیگر مشکلاتی است که بازار سرمایه را تهدید می‌کند.

همچنین درآمدهای عظیم نفتی در اقتصاد کشور که در اختیار دولت بوده، سبب شده است از یک طرف دولت به دلیل بی‌نیازی به تشکیل ثروت در بخش شرکت‌ها و خانوارها، به تشویق آن نپردازد و برای تشکیل نهادهای مشوق توسعه، سرمایه‌گذاری نکند. از طرف دیگر شهروندان نیز ابزاری برای اعمال فشار بر دولت و درخواست پاسخ‌گویی آن ندارند و این خود به پدید آمدن بی‌نظمی‌های اقتصادی دولت در قالب بودجه‌های سالیانه و بروز پدیده‌هایی همچون کسری بودجه، تورم و مشکلاتی از این قبیل منجر شده است. همه این پدیده‌ها سبب می‌شود که دولت برای تنظیم برخی از بازارها و پاسخ‌گویی به تقاضاهای ایجاد شده اقدام به واردات کالا و خدمات کند که این امر خود موجب گسترش تصدیگری دولت شده و مشکلات بی‌شماری را به وجود آورده است. بسیاری از اندیشمندان علم اقتصاد بر این باورند که یکی از دلایل مواجه شدن آزادسازی جامع و

سریع با مشکلات بسیار زیاد در اقتصاد کشورهای مختلف این است که اجرای این برنامه بدون اصلاحات بنیادی مانند آزادسازی قیمت‌ها و تجارت خارجی از یک سو و اصلاحات مطلوب در بازارهای سرمایه از سوی دیگر امکان‌پذیر نیست. بنابراین تعیین قیمت معمولاً سرمایه‌گذاری و اشتغال را تحت تأثیر قرار می‌دهد و آنها را با مشکل مواجه می‌کند. از این رو یکی از الزامات اساسی اجرای سیاست‌های کلی اصل (۴۴) دخالت نکردن دولت در عملکرد قیمت‌گذاری است که باید در کنار سایر موارد اشاره شده و به‌طور جدی مدنظر دولتمردان قرار گیرد.

۲-۲ الزامات فرهنگی و اجتماعی

از دیگر الزامات لازم برای اجرای سیاست‌های کلی اصل (۴۴) الزامات فرهنگی و اجتماعی است. بدیهی است اجرای برنامه آزادسازی و واگذاری فعالیت‌های اقتصادی به بخش‌های غیردولتی نیازمند فرهنگ‌سازی است. در سیاست‌های کلی اصل (۴۴) قانون اساسی بر افزایش مشارکت مردمی و آزادسازی تأکید شده است، بنابراین لازم است زیرساخت‌های لازم برای این موضوع مهم در ابعاد فرهنگی و اجتماعی نیز مهیا شود. یکی از آسیب‌های بالا بودن حجم اقتصاد دولتی در کشور، تغییر نگرش مدیران بنگاه‌های اقتصادی دولتی از سودآوری بنگاه به سهم‌خواهی و ... است. به این ترتیب اگر قرار باشد همین مدیران در فرایند واگذاری‌ها مجدداً به خدمت بخش‌های غیردولتی درآیند، باید نگرش آنها اصلاح شود. همچنین حمایت‌های متعدد دولت از بنگاه‌ها باعث شده است تا مدیران فرهنگ رقابت را نیاموزند و همیشه چشم به سیاست‌های حمایتی دولت داشته باشند که این نگرش نیز باید اصلاح شود.

یکی دیگر از آسیب‌های اجرای سیاست‌های کلی این است که مدیران رانت‌جو و به دنبال قدرت، ملاحظات غیراقتصادی را در تصمیم‌گیری‌ها وارد می‌کنند. برای رفع این معضل اساسی باید ضمن ایجاد مکانیسم‌های تنبیه شدید، رویه‌های انگیزشی قوی نیز برای

مدیران در نظر گرفته شود. به این ترتیب ضروری است طی برنامه‌ای کاملاً سنجیده، در ذهن مدیران از بازسازی و نوسازی بنگاه برای افزایش سوددهی، احساس مسئولیت ایجاد کرد. تقویت سرمایه اجتماعی در راستای ایجاد احساس مسئولیت در بین مردم نسبت به سند چشم‌انداز و سیاست‌های کلی اصل (۴۴) به عنوان مکمل دولت و بازار در مشارکت مردم برای انجام این سیاست‌ها بسیار مهم است. سرمایه اجتماعی می‌تواند زمینه بسیج افراد و گروه‌ها را برای رسیدن به اهداف خاص فراهم کند و دستیابی به کارآمدی‌های خاص اقتصادی را امکان‌پذیر سازد. براساس سیاست‌های ابلاغی، دولت مکلف شده است سهم بخش تعاون را در اقتصاد تا پایان برنامه پنج‌ساله پنجم به ۲۵ درصد برساند. بنابراین لازم است توجه ویژه‌ای به گسترش فرهنگ تعاون در کشور صورت گیرد. البته باید گفت که با توجه به تعالیم بسیار زیاد در قرآن و سایر متون اسلامی و احادیث معتبر، این موضوع در جامعه ایران تا حدودی نهادینه شده و کافی است که دولت به شکل رسمی‌تری جلوگیری از برخوردهای غیرکارشناسانه با امر آزادسازی و تغییر نگرش‌های محدودکننده در مورد ثروت و ثروتمند را آموزش دهد و فرهنگ‌سازی در این امر را به شیوه‌های مستقیم و غیرمستقیم و متناسب با زمینه‌سازی اجرای سیاست‌های کلی اصل (۴۴) قانون اساسی مدنظر قرار دهد. به نظر بسیاری از کارشناسان یکی از علل عمده استقبال نکردن خانوارهای ایرانی از سرمایه‌گذاری در دارایی‌های مالی، ناشی از ناآگاهی آنان از فواید و مزایای این گونه دارایی‌هاست. بنابراین ایجاد و ارائه برنامه‌های آموزشی از طریق رسانه‌های مختلف، کتب درسی، مدارس و دانشگاه‌ها جهت افزایش سطح آگاهی خانوارها می‌تواند در رفع این ضعف بسیار کمک کند.

۲-۳ الزامات سیاسی

رعایت حقوق مالکیت، تعامل مناسب با دیگر کشورها، تفکیک نهادها به تصمیم‌گیر و تصمیم‌ساز و مبارزه جدی با فساد و رانت‌جویی از اهم الزامات سیاسی است که دولت در

اجرای سیاست‌های کلی اصل (۴۴) قانون اساسی باید آنها را رعایت کند. بسیاری از صاحب‌نظران برآن‌اند که حفاظت گسترده دولت از حقوق مالکیت منجر به گسترش مصرف بازاری افراد و اندازه بازارها شده است و شرایط رقابت را مهیا می‌کند. علاوه بر این کاهش ریسک و عدم اطمینان سرمایه‌گذاری، افزایش امکان به کارگیری دارایی و افزایش درآمد برای همه افراد جامعه و طبقات اجتماعی از دیگر مزایای گسترش و حفاظت از حقوق مالکیت است. با توجه به حجم عظیم واگذاری‌ها براساس سیاست‌های کلی اصل (۴۴) قانون اساسی یکی دیگر از الزامات سیاسی اجرای این سیاست‌ها، ارتباط مناسب و سازنده و به‌طور کلی تعامل کشور با دیگر کشورهای دنیاست؛ زیرا حضور سرمایه‌گذاران خارجی در کشور برای فرایند واگذاری‌های یاد شده ضروری است و این حضور بدون تعامل سازنده امکان‌پذیر نیست. اجرایی شدن سیاست‌های کلی اصل (۴۴) علاوه بر موارد ذکر شده نیازمند نهادهای متنوع تصمیم‌گیری و تصمیم‌سازی است. اما تفکیک وظایف نهادهای تصمیم‌گیر و تصمیم‌ساز الزام مهم دیگری است که باید به آن توجه شود.

طی سال‌های گذشته تصمیم‌گیری غیر کارشناسی حاکمیت، هزینه‌های اجتماعی فراوانی ایجاد کرده است. اکنون برای اجرای اصل (۴۴) لازم است ابعاد نظری موضوع بارها بررسی شود و الگوهای نظری دانشمندان علوم انسانی، براساس قیود، محدودیت‌ها و ارزش‌ها بومی شود. همان‌طور که قبلاً نیز اشاره شد، براساس ادبیات معتبر اقتصادی، فساد و رانت‌جویی سبب می‌شود تا انگیزه‌های کار و تولید و سرمایه‌گذاری در کشورها از بین برود و فضای کسب و کار ناامن شود. از این رو یکی از الزامات لازم برای اجرای سیاست‌های کلی اصل (۴۴) مبارزه جدی دولت با این دو مقوله است. تجربه دیگر کشورها نشان داده است، در آن دسته از کشورها که بخش دولتی حضور بسیار پررنگ در اقتصاد دارد، درجه فساد و رانت‌جویی بیشتر است. ایران نیز از این امر مستثنا نیست.

بعد از انقلاب اسلامی ایران با گسترش حجم دولت در اقتصاد، زمینه‌های بروز فساد و رانت‌جویی نیز فراهم شد؛ که البته بخشی از آن نیز میراث دوران قبل از انقلاب است.

به نحوی که بخش خصوصی در رقابت با بخش قدرتمند دولتی در فعالیتهای اقتصادی، زمین گیر شد. در مورد ضرورت مبارزه جدی با فساد و رانت جویی باید اشاره کرد که در فضای رقابتی وجود فساد و رانت‌های اقتصادی سبب از دور خارج شدن آن دسته از بنگاه‌ها می‌شود که رابطه غیررسمی با نهادهای تأثیرگذار دولتی ندارند. این دسته از بنگاه‌ها می‌دانند که برخی از آنها با شرایط آسان‌تر و با استفاده از فساد و رانت‌ها، می‌توانند بر سودجویی خود بیافزایند و هزینه‌ها را کاهش دهند، پس به همین دلیل وارد عرصه نمی‌شوند و میدان را برای این دسته از بنگاه‌ها خالی می‌کنند. بنابراین یکی از الزامات موفقیت اجرای سیاست‌های کلی اصل (۴۴) قانون اساسی از بین بردن عوامل ایجادکننده این فضای ضدرقابتی است؛ زیرا اجرای سیاست‌های کلی بدون وجود این فضا، همان‌طور که در بند «الف» این سیاست‌ها اشاره شده است، اهداف مورد نظر را تأمین نخواهد کرد.

۲-۴ الزامات تقنینی

به منظور نیل به گسترش آزادسازی و افزایش کارایی و رقابت‌پذیری و توانمندسازی بخش‌های خصوصی و تعاونی و حمایت از آنها در رقابت با بازارهای بین‌المللی، تحقیق و بررسی کارشناسی و شناخت عوامل مؤثر بر توانمندسازی و رقابت‌پذیری آنها ضروری است. یکی از عوامل بدون شک وجود قوانین و مقررات مناسب است. همان‌طور که گفته شد اجرای سیاست‌های کلی به منزله یک انقلاب یا تغییر اساسی در چارچوب اقتصادی - سیاسی کشور محسوب شده است. بنابراین تصویب، تغییر، ایجاد و اجرای برخی از قوانین و مقررات به‌طور هماهنگ با این تغییرات اجتناب‌ناپذیر است. باید توجه داشت که ما در بسیاری از زمینه‌ها کمبود قوانین و مقررات نداریم، بلکه مسئله اساسی این است که قوانین موجود به درستی اجرا نمی‌شوند یا این قدر پیچیده‌اند که افراد با مشکل درک قانون مواجه‌اند مثلاً وجود قوانین و مقررات بیش از حد برای سرمایه‌گذاری و اجرای ناکارآمد آنها سرمایه را به سوی بخش‌های غیررسمی و زیرزمینی هدایت کرده است (یوسفی، ۱۳۸۲):

(۷۵۲). این مسئله خود بر کسری بودجه دولت افزوده است و کسری بودجه باعث بی‌اعتمادی بیشتر سرمایه‌گذاری شده و در نتیجه ناکارآمدی واحدهای دولتی را افزایش داده است (تقوی، ۱۳۸۴: ۳۰۱). تغییر شرایط و قوانین موجب تغییر سیاست‌ها و بی‌ثباتی در تصمیم‌گیری می‌شود و در چنین وضعیتی بخش‌های مولد بیشترین آسیب را خواهند دید. از طرفی در کشور ما برخی قوانین نیز وجود دارد که در بحث کارشناسی معایبی دارند. برای اینکه بتوانیم سیاست‌های کلی اصل (۴۴) را به‌نحو احسن اجرا کنیم، لازم است تا این دسته از قوانین با انجام یک کار کارشناسی همه‌جانبه و دقیق‌شناسایی و نسبت به رفع آنها در قالب اصلاح قوانین اقدام شود. برای نمونه در این مورد می‌توان به قانون کار، قانون سرمایه‌گذاری، قوانین مالیاتی، قانون بورس اوراق بهادار، قانون بیمه و ... اشاره کرد. یکی از معضلات در کشور ما وجود نهادها، سازمان‌ها و شوراهای مختلفی است که اقدام به تصویب قوانین و مقررات و بخش‌نامه‌های مختلف می‌کنند. به‌عبارت‌دیگر هر نهاد بدون اینکه نتیجه تصمیم خود بر دیگر بخش‌ها را در نظر بگیرد قوانینی می‌گذارد که اقتصاد را فلج می‌کند. نمونه بارز این ناهماهنگی‌ها به‌وفور در کشور یافت می‌شود. به‌این ترتیب از دیگر الزامات، وجود نهادهای قانونگذار در کشور بوده و لازم است تمامی بخش‌های اقتصادی اعم از دولتی یا غیردولتی به رعایت قوانین احترام بگذارند. تصویب قوانین جدید یکی از الزامات مورد نیاز برای اجرای سیاست‌های کلی اصل (۴۴) قانون اساسی است؛ زیرا به‌دلیل ساختار دولتی اقتصاد کشور، در بسیاری از زمینه‌ها قوانین لازم تصویب نشده است. برای نمونه هنوز قانون ضدانحصار در کشور وجود ندارد. همچنین قوانین مالکیت معنوی نیز در کشور به تصویب نرسیده است. بررسی تجارب کشورهای دیگر نشان داده است که بدون تدوین قوانین کارآمد و همراهی نکردن مجلس قانونگذار، سیاست‌های خصوصی کارآمد نبوده‌اند. در زیر برخی از الزامات قانونی متناسب با اجرای سیاست‌های کلی اصل (۴۴) قانون اساسی در قالب اصلاح، ایجاد، تأکید بر اجرا و تغییر قوانین اشاره شده است:

- اصلاح قوانین مالیاتی با هدف شفافیت، عدالت و فراگیری؛

- اصلاح قوانین سرمایه‌گذاری خارجی برای زمینه‌سازی مشارکت بیشتر؛
- اصلاح مقررات بازار بورس و قیمت‌گذاری‌ها برای جلوگیری از ناکارایی و فساد در واگذاری‌ها؛
- اصلاح قوانین مالی - اقتصادی به نفع تقویت حقوق مالکیت خصوصی؛
- تسهیل مقررات ثبت قانونی حقوق مالکیت‌های معنوی و مادی؛
- ایجاد تغییرات در قوانین تجاری و حقوقی کشور متناسب با ورود به عرصه تجارت جهانی؛
- تصویب قوانین ضدانحصار و مبارزه با فساد؛
- اصلاح مقررات و قوانین لازم برای تغییر نقش دولت از تصدیگری به سیاستگذاری؛
- ایجاد الزامات قانونی برای شرکت‌های دولتی برای داشتن حداقل شرایط حضور آنها در بازارهای مالی و بورس؛
- تعدیل و لغو برخی از قوانین دست‌وپاگیر و تقویت‌کننده اقتصاد غیررسمی و زیرزمینی؛
- اصل قوانین امور بانکی و بیمه‌ای در کشور؛
- اصلاح قانون کار و تأمین اجتماعی.

۳ عملکردهای نظارتی پیش‌بینی شده در قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل (۴۴)

همان‌طور که در قسمت‌های قبل اشاره شد، ابلاغ سیاست‌های کلی اصل (۴۴) قانون اساسی، یک فرصت مناسب برای برنامه‌ریزان و سیاستگذاران اقتصادی ایجاد کرده است تا با معماری مجدد، بازسازی و ترمیم برخی از زیرساخت‌ها و چارچوب‌های کلی اقتصاد، نقص‌ها و ناکارایی‌های آن را برطرف کنند. واقعیت آن است که طی چند دهه گذشته اوضاع خاص کشور و بهره‌مندی دولت از درآمدهای نفتی، باعث تشدید دولتی شدن اقتصاد ایران در بخش‌های گوناگون بدون توجه به عملکرد و کارایی آن شده است. ابلاغ سیاست‌های کلی اصل (۴۴) قانون اساسی شرایط حضور گسترده دو بخش خصوصی و تعاونی را برای کسب جایگاه واقعی و کارآمد خود در اقتصاد فراهم کرده است و حضور دولت را در حوزه‌های قانونگذاری، سیاستگذاری، نظارت و انجام برخی از فعالیت‌های

مشخص شده در حوزه‌های خاص که در مواد مختلف فصل دوم قانون اصلاح از قانون برنامه چهارم توسعه و اجرای سیاست‌های کلی اصل (۴۴) قانون اساسی اشاره شده، مشخص کرده است. قانون سیاست‌های کلی نیز عملکرد نظارتی را در قالب مواد، بند و یا تبصره‌هایی طراحی کرده و وظایف برخی وزارتخانه‌ها، نهادها، هیئت‌ها و شوراهای را برای انجام برخی از امور نظارتی در فرایند اجرای سیاست‌های کلی اصل (۴۴) تبیین نموده است، که این عملکردها و ابزارهای نظارتی خود می‌تواند از جانب مجلس شورای اسلامی و دیگر دستگاه‌های نظارتی، در نظارت بر عملکرد دستگاه‌های مختلف برای حسن اجرای سیاست‌های کلی اصل (۴۴) قانون اساسی پیگیری شود. در جدول ۱ به برخی از عملکردهای نظارتی پیش‌بینی شده در قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل (۴۴) قانون اساسی اشاره شده است.

جدول ۱ عملکردهای نظارتی آشکار در قانون

ردیف	موضوع ماده	ماده	فصل
۱	نقش نظارتی وزارت امور اقتصادی و دارایی بر حسن اجرای ماده (۶) قانون در خصوص سهم ۴۰ درصدی بازار کالاها و خدمات برای مؤسسات و شرکت‌های تابعه و وابسته ماده (۵) قانون محاسبات عمومی مصوب سال ۱۳۶۶ و اصلاحات بعدی آن	تبصره «۲» ماده (۶)	۲
۲	انتصاب هیئتی از جانب رئیس‌جمهوری برای نظارت بر فرایند مقررات‌زدایی و تسهیل شرایط صدور مجوزها و پروانه‌های فعالیت‌های اقتصادی	تبصره «۴» ماده (۷)	۲
۳	نقش نظارتی وزارت تعاون بر حسن اجرای سیاست‌های تشکیل و توسعه تعاونی‌های سهامی عام	ماده (۱۳)	۳
۴	تبصره ذیل ماده (۲۴) قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل (۴۴) قانون اساسی، وزارت امور اقتصادی و دارایی را مکلف کرده است تا فعالیت‌های واگذاری سالیانه سهام مدیریتی و نظارتی بنگاه‌ها را	تبصره ماده (۲۴)	۵

جدول ۱ عملکردهای نظارتی آشکار در قانون

ردیف	موضوع ماده	ماده	فصل
	به صورت گزارش های سالیانه تا پایان اردیبهشت سال بعد به اطلاع مجلس شورای اسلامی برساند.		
۵	داشتن سخن گو برای شورای عالی اجرای سیاست های کلی اصل چهارم قانون اساسی برای اطلاع رسانی به موقع، شفاف و همه جانبه	تبصره «۴» ماده (۴۲)	۸
۶	نظارت بر فرایند اجرای قوانین و مقررات مرتبط با سیاست های کلی اصل (۴۴) قانون اساسی	بند «۲» ماده (۴۳)	۸
۷	تصویب شاخص های اجرایی تحقق اهداف سیاست های کلی اصل (۴۴) به منظور نظارت دقیق بر اجرای آنها و تبیین نقش سیاست گذاری، هدایت و نظارت دولت	بند «۵ و ۷» ماده (۴۳)	۸
۸	اختیار شورای رقابت در اجرای وظایف و مأموریت های خود برای رسیدگی به دعوی و پرونده های مطرح شده، بازرسی از بنگاه ها و شرکت ها و اجازه ورود به اماکن، انبارها، وسایل نقلیه، رایانه ها و تفتیش آنها و نیز نظارت بر ارائه جوایز بازرسی از فعالیت های اقتصادی، اموال، رایانه ها، دفاتر و دیگر اوراق، شرکت در جلسه های مجامع عمومی و جمع آوری اطلاعات مورد نیاز از مصوبات هیئت مدیره	بند «الف» ماده (۶۱)	۹
۹	درخواست گزارش، اطلاعات، مدارک، مستندات و سوابق، اعم از کاغذی یا الکترونیکی، مرتبط با رویه های ضد رقابتی از اشخاص حقیقی و حقوقی و دعوت از کارشناسان و مؤسسات تخصصی و دریافت اظهار نظر آنان در فرایند تحقیق و بازرسی	بند «ب» ماده (۶۱)	۹
۱۰	نظارت بر اجرای سیاست های کلی اصل (۴۴) در زمینه رویه های ضد رقابتی، موضوع مواد (۴۵) تا (۴۹) قانون	ماده (۶۱)	۹
۱۱	ایجاد زمینه های نظارت عمومی از جانب شورای رقابت با فراهم کردن امکان دسترسی عموم به ضوابط، آیین نامه ها و دستورالعمل های فصل نهم قانون و ارائه گزارش های عملکرد سالیانه	ماده (۴۴)	۹

جدول ۱ عملکردهای نظارتی آشکار در قانون

ردیف	موضوع ماده	ماده	فصل
۱۲	مکلف کردن وزارت امور اقتصادی و دارایی برای ارائه گزارش‌های عملکرد به تفکیک مواد و تبصره‌ها به مجلس شورای اسلامی و مجمع تشخیص مصلحت نظام	ماده (۸)	۱۰
۱۳	رسیدگی به شکایت اشخاص اعم از حقیقی یا حقوقی از جمله دادستان کل یا دادستان محل، دیوان محاسبات کشور، سازمان بازرسی کل کشور، تنظیم‌کننده‌های بخشی، سازمان‌ها و نهادهای وابسته به دولت، تشکل‌های صنفی، انجمن‌های حمایت از حقوق مصرف‌کنندگان و دیگر سازمان‌های غیردولتی در راستای نظارت بر رویه‌های ضدرقابتی از طرف شورای رقابت	مواد مختلف	۹

۴ ابزارهای نظارتی حاکمیتی

۴-۱ قوه قضائیه و سازمان بازرسی کل کشور

همراه با عملکردهای نظارتی ارائه شده در قالب قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل (۴۴) قانون اساسی، در این بخش ابزارهای نظارتی حاکمیتی برای نظارت بر حسن اجرای این سیاست‌ها آمده است. مطابق اصل (۱۷۴) قانون اساسی و براساس حق نظارت قوه قضائیه درباره حسن جریان امور و اجرای صحیح قوانین در دستگاه‌های اداری، «سازمان بازرسی کل کشور» زیر نظر این قوه تشکیل شد که حدود وظایف این سازمان نیز از جانب قانون تعیین شده است. این سازمان در کنار دیگر قسمت‌های قوه قضائیه به‌عنوان سازمان تخصصی نظارت‌کننده، می‌تواند به‌منظور اهداف تعیین شده، بر اجرای صحیح قوانین در دستگاه‌های اداری نظارت کند. بنابراین نظارت تخصصی سازمان مذکور در فرایند اجرای سیاست‌های کلی می‌تواند در اجرای صحیح این اصل نقش اساسی داشته باشد.

مطابق ماده (۵) قانون تشکیل سازمان بازرسی کل کشور مصوب سال ۱۳۶۰ و اصلاحیه آن مصوب سال ۱۳۷۵، این سازمان موظف است بازرسی خود را با ایجاد

هیئت‌های بازرسی متشکل از متخصصان و کارشناسان برجسته و مورد اعتماد در هر بخش انجام دهد. از این رو ضروری است سازمان بازرسی کل کشور نظارت در اجرای سیاست‌های کلی اصل (۴۴) را هم در حین اجرا و هم پس از اجرای این سیاست‌ها اعمال کند. همچنین موظف است، تقسیم‌بندی اقتصاد طبق ابلاغیه سیاست‌های کلی به بخش‌های دولتی، خصوصی، عمومی غیردولتی و تعاونی را با همه مصادیق و اجزای آن انجام دهد و بر آن نظارت داشته باشد. تبیین ماهیت و سهم بخش‌های مختلف اقتصادی و زیرمجموعه آنها با بازرسی و نظارت مستمر بر فعالیت این بخش‌ها، نحوه قیمت‌گذاری و واگذاری سهام شرکت‌های دولتی و فرایند ارائه اطلاعات در بازار سرمایه، بررسی و تطبیق نتایج حاصل از فعالیت بخش‌های مختلف با اهداف تعیین شده در سیاست‌های کلی از مهم‌ترین وظایف سازمان بازرسی و دغدغه‌های اصلی اجرای صحیح این سیاست‌هاست.

در نهایت گفتنی است سازمان بازرسی کل کشور می‌تواند به‌عنوان بازوی نظارتی قوی با نظارت صحیح و مستمر در هریک از موارد مشخص شده در قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل (۴۴) قانون اساسی زمینه‌های اجرای صحیح، کامل و کارآمد این سیاست‌ها را فراهم کند که در ادامه به برخی از آنها اشاره شده است:

- نظارت بر حسن اجرای قانون در مورد قلمرو فعالیت‌های هریک از بخش‌های دولتی، عمومی غیردولتی، تعاونی و خصوصی موضوع ماده (۲) قانون اصلاح موادی از قانون برنامه چهارم توسعه و اجرای سیاست‌های کلی اصل (۴۴) قانون اساسی به‌عنوان عضو شورای عالی اجرا؛

- ایجاد شرایط مطلوب فعالیت بخش خصوصی و تعاونی با نظارت بر اجرای صحیح ماده (۳) قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل (۴۴) مطابق بند «۹» ماده (۴۳) قانون مذکور؛

- نظارت بر چگونگی قیمت‌گذاری و زمان‌بندی مناسب واگذاری بنگاه‌های دولتی براساس مواد (۱۸ و ۲۲) قانون مذکور (اهمیت نظارت در این مرحله به اندازه‌ای است که عده‌ای از متخصصان این مرحله را پرلغزش‌ترین مرحله از کل مراحل خصوصی‌سازی معرفی کرده‌اند)؛

- نظارت بر چگونگی اجرای مواد (۳۰ و ۳۵) قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل (۴۴)؛ مواد (۳۰ و ۳۵) قانون اصلاح موادی از قانون برنامه چهارم توسعه و اجرای سیاست‌های کلی اصل (۴۴)، چگونگی مصرف وجوه حاصل از واگذاری‌ها در فرایند اجرای سیاست‌های کلی اصل (۴۴) را بیان کرده است. نظارت بر اجرای سهم‌های اختصاص یافته این وجوه در بخش‌های مختلف اقتصاد نیز از موارد مهمی است که سازمان بازرسی می‌تواند در آن وارد شود و نتایج را با اهداف پیش‌بینی شده مقایسه کند.

- بیشترین استفاده از توان و ظرفیت کارشناسی دیگر نهادها، سازمان‌ها، ارگان‌ها و وزارتخانه‌ها برای دستیابی به دستگاه نظارتی پویا (دستگاه خودنظارتی) در خصوص اجرای وظایف محوله در بندهای «۲» و «۵» ماده (۴۳) قانون مذکور؛

- نظارت بر عملکرد سازمان‌های مرتبط با مواد (۷ و ۱۵) قانون مذکور؛

- کمک به شورای رقابت در انجام وظایف محوله در زمینه تحقیق و بازرسی به‌منزله شخصیت حقیقی صالح مطابق تبصره «۲» جزء «ب» ماده (۶۱) قانون مذکور؛

همچنین الزامات اجرایی کردن سیاست‌های کلی اصل (۴۴) قانون اساسی که نقش قوه قضائیه را به‌عنوان نهاد نظارتی ضروری می‌کند، به‌شرح زیر است:

- پیشنهاد ایجاد شعبه‌های تخصصی در دادگاه‌ها برای رسیدگی به مسائل اجرای سیاست‌های کلی اصل (۴۴)، ماده (۳۳) قانون اصلاح موادی از قانون برنامه چهارم توسعه و اجرای سیاست‌های کلی اصل (۴۴) قانون اساسی؛

- تأسیس دادستانی ویژه مسائل اجرایی اصل (۴۴) برای حمایت از بخش خصوصی در برابر تعرض احتمالی و نظارت بر عملکرد دولت؛

- سالم‌سازی فضای اقتصادی با بهینه‌سازی امر بازرسی به‌نحو اثربخش و رسیدگی به خطاهای احتمالی مجریان براساس عرف، کارشناسی و مقتضیان اجرایی؛

- ایجاد تعامل و هماهنگی با دستگاه‌های نظارتی موجود در دیگر نهادهای اداری برای اجرای کامل و دقیق فرایند نظارت در مراحل اجرای سیاست‌های کلی.

۲-۴ مجمع تشخیص مصلحت نظام

براساس بند «۲» اصل (۱۰۰) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و در اجرای دستور مورخ ۱۳۷۷/۱/۱۷ مقام معظم رهبری که امر نظارت بر حسن اجرای سیاست‌های کلی را به مجمع تشخیص مصلحت نظام تفویض کرده‌اند، مقررات نظارت بر حسن اجرای سیاست‌های کلی نظام در ۱۰ ماده و تبصره در تاریخ ۱۳۸۴/۳/۲۱ به تصویب رسید.

با توجه به شأن نظارتی مجمع در خصوص حسن اجرای سیاست‌های کلی نظام و آنچه در شرح وظایف کمیسیون نظارت مجمع به تصویب رسیده است؛ مجمع تشخیص می‌تواند و باید در موارد آشکار در سیاست‌های کلی اصل (۴۴) قانون اساسی اعم از منع ورود دولت در فعالیت‌های خارج از صدر اصل (۴۴)، نحوه واگذاری‌ها، تدوین خط‌مشی‌ها، شاخص‌ها و شیوه‌های اعمال نظارت، نحوه مصارف منابع حاصل از واگذاری‌ها و مواردی از این قبیل مستقلاً و رأساً نظارت کند و گزارش‌های ادواری نظارت را به منظور اصلاح خلأها و نقص‌ها یا تقویت رویه‌های مفید تهیه نماید و در اختیار قوای سه‌گانه قرار دهد. قطعاً این نظارت کلان‌نگر باید پس از شناسایی و اعلام شاخص‌های حسن انجام یا مغایرت عملکردها با اهداف ترسیم شده در سیاست‌های کلی اصل (۴۴) باشد. در جدول ۲ به برخی از مواردی که این مجمع طبق وظایف محوله و در راستای نظارت بر حسن اجرای سیاست‌های کلی باید نظارت کند، اشاره شده است.

جدول ۲ نحوه نظارت مجمع تشخیص مصلحت نظام بر اجرای سیاست‌های کلی

ماده	موضوع ماده	ردیف
مواد (۲ و ۷)	نظارت بر کلیه قوانین و مقررات به‌ویژه قوانین برنامه از نظر مطابقت با اهداف سیاست‌های کلی و مواد تصریح شده در فصل‌های دوم، سوم، چهارم و نهم قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل (۴۴) قانون اساسی از طرف کمیسیون نظارت	۱
ماده (۸)	تدوین خط‌مشی‌ها، شاخص‌ها و شیوه‌های اعمال نظارت با همکاری هیئت‌های ذی‌ربط و ارزیابی میزان تحقق سیاست‌های کلی و حسن	۲

جدول ۲ نحوه نظارت مجمع تشخیص مصلحت نظام بر اجرای سیاست‌های کلی

ردیف	موضوع ماده	ماده
	اجرای آنها بر مبنای شاخص‌های مصوب و تلفیق گزارش‌های نظارتی (از وظایف و اختیارات شورای عالی نظارت مصرح در بندهای «۱، ۲ و ۵» ماده (۴۳) قانون سیاست‌های کلی اصل (۴۴) قانون اساسی)	
۳	نظارت مستمر بر عملکرد قوای سه‌گانه، نیروهای مسلح و سازمان صدا و سیما در راستای تحقق اهداف سیاست‌های کلی براساس گزارش‌های ادواری، سالیانه و پنج سال یک‌بار ارائه شده از طرف قوا و دستگاه‌های فوق به هیئت‌های تخصصی زیر نظر هیئت نظارت	مواد (۳) و (۵)
۴	تهیه گزارش‌های سالیانه از نحوه اجرا و پیشرفت سیاست‌های کلی از طرف هیئت‌های مربوطه و ارائه آنها به هیئت نظارت	تبصره «۱» ماده (۶)
۵	الزام بالاترین مقام قوای سه‌گانه، ستاد کل نیروهای مسلح، صدا و سیما و دستگاه‌های نظارتی از قبیل دیوان عدالت اداری، دیوان محاسبات، شورای نظارت صدا و سیما، سازمان حسابرسی دولتی و کمیسیون اصل (۹۰)، سازمان بازرسی کل کشور، نهادها، بانک‌ها، سازمان‌ها، شرکت‌های دولتی و همچنین نهادهای عمومی موضوع تبصره ذیل ماده (۵) قانون محاسبات عمومی، شهرداری‌ها و کلیه سازمان‌هایی که شمول قانون بر آنها مستلزم ذکر نام است و مؤسسات عمومی غیردولتی برای همکاری با مجمع در اعمال نظارت بر حسن اجرای سیاست‌های کلی و تشخیص نهایی مغایرت یا مغایرت نداشتن عملکردها با سیاست‌های کلی از طرف مجمع.	ماده (۹)

۳-۴ مجلس شورای اسلامی

در باب دوم و فصل دوم آیین‌نامه داخلی مجلس شورای اسلامی، نظارت در مرحله بعد از قانونگذاری مجلس آمده است. در این بخش با تشریح وظایف نظارتی مجلس شورای اسلامی سعی شده است تا وظایف مجلس شورای اسلامی در نظارت بر حسن اجرای سیاست‌های کلی اصل (۴۴) بیان شود. با ابلاغ سیاست‌های کلی اصل (۴۴) قانون اساسی

از طرف مقام معظم رهبری مجلس شورای اسلامی مطابق وظیفه اول خود قانون اصلاح موادی از قانون برنامه چهارم توسعه و اجرای سیاست‌های کلی اصل (۴۴) قانون اساسی را در کمیسیون ویژه‌ای تهیه و به تصویب مجلس شورای اسلامی رساند. که اکنون در مجمع تشخیص مصلحت نظام مراحل نهایی را طی می‌کند. مجلس شورای اسلامی می‌تواند به منظور وظیفه نظارتی خود مطابق آیین‌نامه داخلی و با ابزارهای پیش‌بینی شده نظارت بر حسن اجرای این سیاست‌ها را اعمال کند که در زیر به برخی از این ابزارها اشاره شده است:

۱-۳-۴ کمیسیون اصل (۹۰)

ماده (۳۲) آیین‌نامه داخلی مجلس شورای اسلامی، کمیسیون اصل (۹۰) را به منظور اجرای اصل نودم قانون اساسی در نظر گرفته است. اصل (۹۰) قانون اساسی تصریح کرده است که هر کس شکایتی از قوای سه‌گانه داشته باشد می‌تواند به مجلس مراجعه کند و مجلس موظف است به شکایت‌ها رسیدگی نماید.

بر اساس آیین‌نامه داخلی مجلس شورای اسلامی، کمیسیون اصل (۹۰) دارای دو واحد است و علاوه بر اختیارات مصرحه در ماده واحده مصوب ۵۹/۱۱/۱ و تبصره الحاقی آن مصوب ۶۴/۲/۵ می‌تواند برای کسب اطلاعات کافی از مسئولان مذکور در آن ماده با دعوت یا مکاتبه مستقیم در امورات مقتضی تحقیق کند. ماده (۳) قانون نحوه اجرای اصل (۹۰) بیان کرده است چنانچه شکایتی نیاز به تحقیق و بررسی داشته باشد، کمیسیون می‌تواند بازرسی یا بازرسانی را از میان نمایندگان مجلس شورای اسلامی به انتخاب هیئت‌رئیس کمیسیون اعزام کند. کمیسیون اصل (۹۰) قانون اساسی در زمینه‌های مورد نیاز برای بازرسی می‌تواند از متخصصان امر استفاده کند و بعد از گزارش مأموریت، در صورت احراز تخلف از دادگاه صالح تقاضای رسیدگی قضایی خارج از نوبت نماید.

به این ترتیب کمیسیون اصل (۹۰) که وظیفه آن رسیدگی به شکایت‌های مردم از نحوه عملکرد سه قوه مجریه، قضائیه و مقننه است، می‌تواند به عنوان بازوی نظارتی قوی بر عملکرد هر سه قوه در خصوص اجرای سیاست‌های کلی اصل (۴۴) قانون اساسی در ابعاد

خرد و کلان طبق گزارش‌ها و شکایات واصله رسیدگی و یا در موارد مشخص از آنها بازرسی کند. علاوه بر این، قانون درباره اجازه مکاتبه و تحقیق مستقیم کمیسیون اصل (۹۰) تصریح کرده است که این کمیسیون می‌تواند از تمام قوای سه‌گانه، وزارتخانه، ادارات و سازمان‌های وابسته به آنها، بنیادها، نهادهای انقلابی و مؤسساتی که به‌نحوی به یکی از قوای فوق‌الذکر مربوط می‌باشند، مستقیماً مکاتبه یا به آنها مراجعه کنند و این خود نافذ بودن کمیسیون اصل (۹۰) را در تحقیق و نظارت در عملکرد همه دستگاه‌ها و نهادهای دولتی روشن می‌سازد. همان‌طور که قبلاً اشاره شد این امر خود می‌تواند در نظارت مستقیم غیرمستقیم مجلس بر حسن اجرای سیاست‌های کلی اصل (۴۴) قانون اساسی تأکید کند.

۲-۳-۴ تحقیق و تفحص

ماده (۱۹۸) آیین‌نامه داخلی مجلس شورای اسلامی بیان کرده است که در راستای اجرای اصل (۷۶) قانون اساسی، نمایندگان مجلس می‌توانند در هر یک از امور کشور که لازم بدانند درخواست تحقیق و تفحص کنند.^۱ مهلت تحقیق و تفحص طبق ماده (۱۹۹) آیین‌نامه داخلی به مدت شش ماه است و هیئت تحقیق و تفحص می‌تواند در صورت نیاز شش ماه دیگر آن را تمدید کند. مسئولان دستگاه تحقیق و تفحص شونده و تمام دستگاه‌های اجرایی، قضایی و نهادهای انقلاب اسلامی مطابق ماده (۲۰۱) آیین‌نامه داخلی مجلس شورای اسلامی موظف به فراهم کردن امکانات و تسهیلات لازم هیئت و در اختیار گذاردن اطلاعات و مدارک درخواستی آن هیئت می‌باشند.

با توجه به اختیارات و حدود قانونی تعیین شده برای تحقیق و تفحص نمایندگان مجلس شورای اسلامی، مجلس می‌تواند در همه موارد، به‌جز موارد اشاره شده در پاورقی، و بنا به ضرورت و صلاحدید با تحقیق و تفحص بر فرایند اجرای سیاست‌های کلی اصل (۴۴) قانون اساسی نظارت کند و در صورت بروز تخلف و یا انحراف از اهداف مندرج در

۱. به‌جز دستگاه‌های زیر نظر مستقیم رهبری، شورای نگهبان و مجلس خبرگان رهبری.

سیاست‌های کلی زمینه‌های اصلاح آن را فراهم کند. با توجه به قانون سیاست‌های کلی و ماده (۳) تبصره «۲» و مواد (۶، ۱۰، ۱۳ و ۱۸) و بندهای «۴» و «۵» ماده (۱۹)، تبصره «۳» مواد (۳۵، ۴۰، ۴۲ و ۵۴) قانون ارائه شده مجلس شورای اسلامی می‌تواند با روش تحقیق و تفحص یا با طرح سؤال و پرسش از وزیران و زارتخانه‌های مرتبط با مواد مطرح شده در بالا و یا اعمال نظر در شورای عالی اجرای سیاست‌های کلی اصل (۴۴) قانون اساسی از طریق نمایندگان و یا رئیس دیوان محاسبات کشور به منزله اعضای این شورا نظارت خود را بر حسن اجرای سیاست‌های فوق اعمال کند.

۳-۳-۴ تذکر و سؤال از رئیس‌جمهوری و وزیران

اصل (۸۸) قانون اساسی، حق تذکر و سؤال را از رئیس‌جمهوری و وزیران درباره هریک از وظایف آنان در تمام مواردی که نماینده یا نمایندگان تشخیص بدهند، منظور کرده است. از آنجا که مطابق قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل (۴۴) قانون اساسی، اجرا و نظارت بر برخی از مواد و بندهای این قانون و دستگاه‌های دولتی و تذکر و سؤال از رئیس‌جمهور یا وزیر مربوط به آنها، نظارت مستقیم خود را در راستای حسن اجرای سیاست‌های کلی اصل (۴۴) قانون اساسی اعمال کند. در جدول ۳ به برخی از مواردی که مجلس شورای اسلامی می‌تواند با ابزار فوق نظارت خود را بر حسن اجرای سیاست‌های کلی اصل (۴۴) قانون اساسی اعمال کند، اشاره شده است.

جدول ۳ نحوه نظارت مجلس بر حسن اجرای سیاست‌های کلی اصل (۴۴) قانون اساسی

ماده	موضوع ماده	ردیف
تبصره «۲» ماده (۶)	تذکر و سؤال از وزیر امور اقتصادی و دارایی به منظور نظارت بر فرایند اجرای ماده (۶) قانون در خصوص سهم ۴۰ درصدی بازار کالاها و خدمات برای مؤسسات و شرکت‌های تابعه و وابسته ماده (۵) قانون محاسبات عمومی مصوب سال ۱۳۶۶ و اصلاحات بعدی آن	۱

جدول ۳ نحوه نظارت مجلس بر حسن اجرای سیاست‌های کلی اصل (۴۴) قانون اساسی

ردیف	موضوع ماده	ماده
۲	تذکر و سؤال از رئیس‌جمهوری در مورد عملکرد هیئت انتصابی از جانب ایشان برای نظارت بر فرایند مقررات‌زدایی و تسهیل شرایط صدور و مجوزها و پروانه‌های فعالیت‌های اقتصادی	تبصره «۴» ماده (۷)
۳	تذکر و سؤال از وزیر تعاون در خصوص نقش نظارتی وزارت تعاون بر حسن اجرای سیاست‌های مربوط به تشکیل و توسعه تعاونی‌های سهامی عام	ماده (۱۳)
۴	تذکر و سؤال از وزیر امور اقتصادی و دارایی یا اعمال تحقیق و تفحص از این وزارتخانه در خصوص عملکرد آن درباره تبصره ذیل ماده (۲۴)، بندهای «الف» و «ب» ماده (۱۸) و بندهای «۴» و «۵» ماده (۱۹) قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل (۴۴) قانون اساسی	تبصره ماده (۲۴) و بندهای «الف» و «ب» ماده (۱۸)
۵	تذکر و سؤال از رئیس‌جمهوری و وزیر امور اقتصادی و دارایی در خصوص نحوه عملکرد دولت در قبال ماده (۳۰) قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل (۴۴) قانون اساسی	ماده (۳۰)
۶	تذکر و سؤال از وزیران امور اقتصادی و دارایی و رفاه و تأمین اجتماعی و تحقیق و تفحص از وزارتخانه‌های متبوع آنها در خصوص عملکرد آنها درباره مفاد ماده (۳۵) قانون سیاست‌های کلی	تبصره «۳» ماده (۳۵)
۷	نظارت بر فرایند اجرای قوانین و مقررات مرتبط با سیاست‌های کلی اصل (۴۴) قانون اساسی، از طریق ابزارهای مختلف نظارتی مجلس شورای اسلامی اعم از تذکر و سؤال، استیضاح، تحقیق و تفحص و دیوان محاسبات کشور	ماده (۴۰) و بند «۲» ماده (۴۳)
۸	تذکر و سؤال از وزیران مرتبط و نظارت مستقیم مجلس از طریق نمایندگان عضو در شورای رقابت، بر عملکرد این شورا مطابق وظایف محوله به آن	ماده (۶۱)
۹	تذکر و سؤال، تحقیق، تفحص و استیضاح از وزیر امور اقتصادی و دارایی و نظارت مستقیم از جانب مجلس شورای اسلامی بر حسن اجرای سیاست‌های کلی اصل (۴۴) قانون اساسی	بند «الف» ماده (۸۹)

بحث و نتیجه‌گیری

سیاست‌های کلی اصل (۴۴) قانون اساسی با هدف شتاب بخشیدن به رشد اقتصاد ملی، ارتقای کارایی بنگاه‌های اقتصادی و بهره‌وری منابع مادی، انسانی و فناوری، افزایش رقابت‌پذیری در اقتصاد ملی، کاستن از بار مالی و مدیریتی دولت در تصدی فعالیت‌های اقتصادی و تشویق اقشار مردم به پس‌انداز و سرمایه‌گذاری و بهبود درآمد خانوارها از طرف مقام معظم رهبری ابلاغ شد.

در این مقاله به بررسی الزامات مورد نیاز اجرای این سیاست‌ها و نحوه نظارت نهادهای مختلف نظارتی در کشور براساس وظایف قانونی آنها و نیز قانون اصلاح موادی از قانون برنامه چهارم توسعه و اجرای سیاست‌های کلی اصل (۴۴) قانون اساسی پرداخته شده است. نتایج این تحقیق نشان می‌دهد الزامات بسیاری برای اجرای شدن این سیاست‌ها نیاز است از جمله می‌تواند به الزامات اقتصادی (ایجاد ثبات و امنیت اقتصادی به‌منزله زمینه اصلی فراهم آمدن محیط مناسب کسب و کار برای رشد اقتصادی، توسعه بازار سرمایه متشکل، کارآمد و پویا برای تجهیز پس‌اندازها، سرمایه‌گذاری و رفع موانع سرمایه‌گذاری، ایجاد نظام مالیاتی کارآمد برای کاهش وابستگی بودجه دولت به نفت و کاهش تصدیگری‌ها و دخالت‌های دولتی در اقتصاد، افزایش شفافیت و بسط محیط‌های رقابت اقتصادی تحت نظام بازار)، الزامات فرهنگی و اجتماعی (ایجاد فضای مشارکت مردم و گسترش فرهنگ تعاون در کشور، بازسازی و تقویت نگرش مدیران، به‌ویژه مدیران دولتی و تقویت روحیه منفعت‌طلبی و احساس مسئولیت در آنان، تقویت سرمایه اجتماعی و ایجاد احساس مسئولیت در بین مردم نسبت به سند چشم‌انداز و سیاست‌های کلی اصل (۴۴)، تعبیه دستگاه‌های پاسخ‌گویی برای تنبیه و تشویق مدیران و ایجاد پاسخ‌گویی و انگیزه‌های صحیح در مدیران)، الزامات سیاسی (ضرورت مبارزه جدی با رانت‌جویی، ایجاد زمینه‌های سیاسی مناسب برای گسترش روابط و تعاملات سیاسی با کشورهای خارجی، حفاظت گسترده از مالکیت و گسترش اندازه بازارها و مهیا کردن وضعیت رقابت، ایجاد نهادهای

متنوع تصمیم‌گیری و تصمیم‌سازی برای تفکیک این وظایف) و الزامات تقنینی (اصلاح قوانین مالیاتی با هدف شفافیت، عدالت و فراگیری، ایجاد نظام مالیاتی قوی برای کاهش وابستگی بودجه‌های دولت به درآمدهای نفتی، اصلاح قوانین سرمایه‌گذاری خارجی برای بسترسازی مشارکت بیشتر، اصلاح قوانین و مقررات بورس و قیمت‌گذاری‌ها برای جلوگیری از ناکارایی و فساد در واگذاری‌ها، اصلاح قوانین مالی - اقتصادی به نفع تقویت حقوق مالکیت خصوصی و ایجاد زمینه‌های سیاسی و فرهنگی مناسب برای حضور سرمایه‌گذاران داخلی و خارجی، تسهیل مقررات ثبت قانونی حقوق مالکیت‌های معنوی و مادی، اصلاح قوانین امور بانکی و بیمه‌ای در کشور و ایجاد زمینه‌های حضور سرمایه‌گذاران خارجی در این بخش‌ها، اصلاح قانون کار و تأمین اجتماعی، تصویب قوانین ضدانحصار و مبارزه با فساد برای شفاف‌سازی اطلاعات بازارها، اصلاح مقررات و قوانین مورد نیاز برای تغییر نقش دولت از تصدیگری به سیاست‌گذاری) زمینه‌های مناسب و لازم اجرای این سیاست‌ها نیز در حوزه‌های گوناگون بیان شده است.

همچنین بررسی‌ها نشان داد در متن قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل (۴۴) عملکردهای نظارتی متعددی برای اجرای هرچه بهتر این سیاست‌ها پیش‌بینی شده است، از جمله می‌توان به نهادهای نظارتی همچون قوه قضائیه، مجمع تشخیص مصلحت نظام، مجلس شورای اسلامی و دیگر نهادهایی اشاره کرد که به‌نحوی می‌توانند در امر نظارت ایفای نقش کنند. علاوه بر این، سازمان‌ها، هیئت‌های وابسته به نهادهای فوق همچون نظارت مجمع تشخیص مصلحت نظام، کمیسیون اصل (۹۰) و کمیسیون ویژه اصل (۴۴) قانون اساسی و دیگر کمیسیون‌های مرتبط مجلس شورای اسلامی، ابزارهای قانونی موجود برای تذکر، سؤال، استیضاح از طرف هیئت‌های تحقیق و تفحص مجلس شورای اسلامی، بازرسی کل کشور و ... در این باره نقش مهمی برعهده دارند. با توجه به نتایج حاصل از این تحقیق، به‌منظور نظارت بر حسن اجرای این سیاست‌ها و برای تحقق کامل اهداف ترسیم شده در آن، موارد زیر پیشنهاد می‌شود:

- نظارت دقیق و مداوم بر عملکرد دستگاه‌های متولی اجرای سیاست‌های کلی اصل (۴۴) قانون اساسی در ابعاد مختلف از جمله سیاست‌های مرتبط با ایجاد زیرساخت‌ها و زمینه‌های اقتصادی، حقوقی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی برای اجرای سیاست‌های کلی. - استفاده از حداکثر توان و عملکردهای نظارتی تعبیه شده در متن قانون برای نظارت بر حسن اجرای این سیاست‌ها.

- استفاده مؤثر و کارآمد از ابزارهای نظارتی حاکمیتی (قوای سه‌گانه و سازمان‌ها و دستگاه‌های نظارتی آنها مانند سازمان بازرسی کل کشور در قوه قضائیه، کمیسیون تحقیق و تفحص، دیوان محاسبات کل کشور و استفاده از ابزار سؤال و تذکر به وزیران و مجموعه دولت در مجلس شورای اسلامی و ابزارهای نظارتی مجمع تشخیص مصلحت نظام با توجه به قوانین و وظایف آن و ...) در بعد نظارت بر حسن اجرای سیاست‌های کلی با در نظر گرفتن سطوح نظارتی، تخصص و قوانین موجود.

- تکیه بر مفاد برخی از مواد قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل (۴۴) قانون اساسی در تبیین ضرورت ارائه گزارش‌های عملکرد از سوی دستگاه‌ها، وزارتخانه‌ها و سازمان‌های متولی امر.

- تدوین خط‌مشی‌ها، شاخص‌ها و شیوه‌های اعمال نظارت با همکاری دستگاه‌های مسئول و ذی‌ربط، ارزیابی میزان تحقق سیاست‌های کلی و حسن اجرای آنها بر مبنای شاخص‌های مصوب و تلفیق گزارش‌های نظارتی دستگاه‌های مجری امر.

منابع و مأخذ

- اداره کل قوانین (۱۳۸۲). آیین‌نامه داخلی مجلس شورای اسلامی با رعایت اصلاحات.
- باقرزاده، احد (۱۳۸۱). بازار، دولت، حقوق مصرف‌کننده، تهران، انتشارات توسعه قلم.
- تقوی، مهدی (۱۳۸۴). نهادهای مالی و پولی بین‌المللی، تهران، انتشارات پژوهشکده امور اقتصادی، چاپ دوم.
- جلال آبادی، اسدالله (۱۳۸۵). «بررسی نقش امنیت، قوانین و مقررات و توسعه بازارهای مالی بر سرمایه‌گذاری»، نشریه مجلس و پژوهش، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، سال سیزدهم، شماره ۵۲.
- سیاست‌های کلی اصل (۴۴) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، ابلاغی از سوی مقام معظم رهبری در خرداد ۱۳۸۴.
- قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران (با رعایت اصلاحات سال ۱۳۶۸) شورای بازنگری قانون اساسی.
- قانون اصلاح موادی از قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران و اجرای سیاست‌های کلی اصل (۴۴) قانون اساسی.
- هادی زنوز، بهروز (۱۳۸۲). تجربه سیاست‌های صنعتی در ایران (۱۳۸۰-۱۳۷۴)، تهران مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.
- یوسفی، محمدقلی (۱۳۸۲). اقتصاد صنعتی، تهران، انتشارات دانشگاه علامه طباطبایی، جلد دوم.